

مقاله‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم

اصطلاحات علوم قرآنی (۳)

آية الله سيد ابوالفضل مير محمدی

از جمله عناوینی که در علوم قرآنی مورد بحث قرار گرفته واژه «سوره» است و در قرآن کریم در نه مورد به صورت مفرد و در یک مورد به صورت جمع (سور) بدان اشاره شده است.^(۱)

نخست به معنای لغوی آن اشاره سپس معنای اصطلاحی آنرا متعرض می‌شویم و چنانچه ارتباطی نیز بین معنای اصطلاحی با معنای لغوی باشد اشاره خواهیم نمود.

سوره در لغت

راغب در مفردات می‌نویسد: سوره به معنای منزلت رفیع است چنانکه شاعر در شعر خود

الم تر ان الله اعطاک سورة تری کل ملک دونها یتذبذب

همین معنا را اراده کرده است. یعنی خداوند منزلتی بتو عطا فرموده که هرملکی در نزد آن حقیر است و نیز می‌نویسد «سور المدینه» حصار و دیواربست در اطراف شهر که

۱ - المعجم المفهرس و المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم.

آن به وسیله همین دیوار محصور است و شاید سوره‌های قرآنی به همین لحاظ نام سوره گرفته‌اند. زیرا قرآن شریف مانند شهرها با سوره‌ها محصور شده است. سپس اضافه می‌کند این معنا در صورتی است که سوره بدون همزه باشد و اگر با همزه (سوره) باشد از سوره به معنای باقیمانده آب و یا غذا است زیرا هر سوره‌ای از قرآن یک قطعه و قسمتی از کل آنند.

آنگاه می‌نویسد: قوله تعالی «سورة انزلناها» یعنی یک مقدار از قرآن است که مشتمل بر احکام و حکمت‌ها است. از این کلام راغب استفاده می‌شود که سوره در آیه شریفه به معنای قطعه‌ای از قرآن است نه به معنای شایع آن که می‌گویند سوره‌ها در میان دو بسمله قرار گرفته است.

اما اینکه می‌گویند سوره‌ها به لحاظ اینکه قرآن را چون حصار احاطه کرده‌اند سوره نامیده شده‌اند صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا قرآن کریم مشتمل بر سوره‌ها است نه محصور در میان آنها و سوره‌های محتوای قرآنند نه حصار و دیوار در دور آن.

و نیز از سخن ایشان که در جای دیگر گفته است - سوره‌ها به معنای منزل است مانند منازل ماه - استفاده می‌گردد. مقصود از منزل منزلهائی است که از آنها به سوی منزل دیگر عبور می‌شود مانند سیر ماه در منازل خود نه به معنای شأن رفیع چنانکه در اوایل کلامش گفته است.

و ابن درید لغوی متقدم و متبحر در کتاب (جمهرة اللغة) می‌نویسد سوره به معنای منزلت است آنگاه بر شعری که در کلام راغب گذشت تمسک می‌جوید سپس می‌نویسد سوره‌های قرآن مانند درجات و منزلهائی است که از هر یک از آنها به منزل دیگر عبور می‌شود.^(۱)

از کلام ایشان همان مطلبی استفاده می‌شود که از سخن راغب استفاده می‌شد و همچنین می‌نماید که راغب در گفتار خود از جمهره اخذ کرده است.

و در کتابهای لسان العرب و مجمع البحرین و قاموس و اقرب الموارد نیز همین معانی برای سوره ذکر شده است و همگی نیز احتمال داده‌اند که اصل سوره سوره با همزه

۱ - در ذریعه می‌نویسد: جمهرة اللغة تألیف امام اللغة و الشعر محمد بن الحسن بن درید متولد سال ۲۲۳ و متوفای سال ۳۲۱ هـ ق

می‌باشد و در معالم العلماء و مجالس المؤمنین و امل الآمل و ریاض العلماء وی را شیعه دانسته‌اند.

به معنی «بقیة الاشیاء» باشد که این همزه در اثر کثرت استعمال و به منظور تسهیل حذف شده است.

ولی در مجمع البحرین علاوه می‌کند: جمع سوره سور بضم سین و فتح واو مانند غرفه و غرف و جمع سور اسوار مانند نور و انوار می‌باشد.
پس بنابراین باید گفت: سوره بلحاظ اینکه جمعش سور می‌آید نه اسوار از سور بلد ملحوظ نشده است.

سوره در اصطلاح

سوره در اصطلاح: مجموعه‌ای از آیات را گویند که با بسمله آغاز شده و با بسمله در سوره‌های دیگر پایان می‌گیرد اعم از اینکه آیات آنها دارای شمار فراوان باشد مانند سوره بقره که آیاتش بدون بسمله به ۲۸۶ آیه می‌رسد و یا اندک باشد مانند سوره کوثر که آیاتش بدون بسمله به سه آیه می‌رسد در تایید این ضابطه روایاتی وارد شده مبنی بر اینکه سوره‌های قرآن کریم با بسمله شروع و با بسمله سوره‌های دیگر به پایان می‌رسد و ما قسمتی از آنها را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم.

- ۱- از امام صادق روایت شده هیچ کتاب و نوشته‌ای از آسمان نازل نشده مگر اینکه در اول آن بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم بوده و هرآینه انقضاء سوره‌ها با بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم که برای ارائه ابتدای سوره‌های دیگر نازل می‌گشت فهمیده می‌شد.^(۱)
- ۲- از ابن عباس نقل شده پیامبر خدا (ص) وقتی که جبرئیل نازل می‌شد و بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم را تلاوت می‌کرد درمی‌یافت سوره‌ای نازل می‌شود.^(۲)
- ۳- و نیز از هومو نقل شده پیامبر اسلام (ص) انتهای سوره‌ها را نمی‌دانست تا بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم نازل می‌شد (در این موقع می‌دانستند سوره قبلی به انتها رسیده است).

و علاوه بر اینها روایات دیگری وارد شده بخوبی دلالت دارند بر اینکه کلمه سوره در

۱- تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۹.

۲- مستدرک حاکم ج ۱ ص ۶۳ و اسباب النزول واحدی ص ۹ و سنن کبری بیهقی ج ۲ ص ۴۲ ولی بدل ختم فضل آورده است یعنی جدائی سوره‌ای از سوره دیگر با بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم روشن می‌شده است.

عصر پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار ع در همین مفهوم استعمال شده است. و علامه مجلسی (رحمة الله عليه) آنها را در فضایل سوره‌ها نقل فرموده و یا تعدادی از آنها را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم.

۱- علامه مجلسی روایت مفصلی از پیامبر اسلام نقل نموده که بخشی از آن چنین است: بتحقیق در کتاب (خدا) سوره‌ایست بنام سوره عزیز و آن سوره یس است و فرمود یا علی سوره یس را تلاوت کن که در آن ده برکت وجود دارد. آنگاه ذکر می‌فرماید. (۱)
 ۲- از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود سوره یس در تورات «معمّمه» نامیده شده چون شامل خیر دنیا و آخرت است.

۳- از امام باقر (ع) روایت شده کسی که سوره لقمان را در شب‌ها تلاوت کند خداوند او را در آن شب توسط ملائکه از شر ابلیس حفظ می‌کند. (۲)

۴- از امام صادق (ع) روایت شده کسی که سوره عنکبوت و روم را در شب ۲۳ ماه رمضان تلاوت کند قسم بخدا از اهل بهشت است.

پس واژه سوره از عصر رسول خدا (ص) تا زمان ما بمعنای تعدادی از آیاتی است که در ابتدای آن بسم الله الرحمن الرحیم و در انتهای آن بسم الله الرحمن الرحیم سوره دیگر آمده باشد. بنابراین هر بسمله، ابتدای سوره و یا انتهای سوره‌ای نیست بلکه بسمله‌ای که از طرف خداوند در مقام نزول قرآن باشد چنین اثر و خاصیتی را دارد. پس بسم الله الرحمن الرحیم که در سوره نمل در نامه حضرت سلیمان به بلقیس آمده است مبداء و منتهای سوره‌ای نمی‌تواند باشد.

سوره و چند واژه

مرحوم کلینی حدیثی را نقل می‌کند که در آن از چهار خصوصیت سوره‌ها ذکر می‌گردد. میان آمده است که مناسب می‌نمود بمعنای آنها اشاره شود و آن حدیث چنین است. از امام باقر (ع) نقل شده که: پیامبر اسلام (ص) فرموده: خداوند متعال به جای تورات، سوره‌های طوال و به جای انجیل سوره‌های؟ و به جای زبور سوره‌های مثانی را

۱- بحار ج ۸۹ باب فضائل یس ص ۲۹ نقل از جامع الاخبار و در منثور سیوطی بترتیب.

۲- بحار ج ۸۹ باب فضائل سوره عنکبوت و روم و سوره لقمان نقل از ثواب الاعمال شیخ صدوق.

به من عطا فرموده و مرا با سوره‌های مفصل [که تعدادشان ۶۸ سوره است] برتری داده است.^(۱)

مرحوم فیض در مقدمه تفسیر صافی پس از آنکه حدیث یادشده را از امام باقر (ع) نقل می‌کند می‌فرماید در تفسیر این الفاظ اختلاف است و آنچه اقرب به صواب و احتیاط به سوره‌های کتاب خداست اینکه بگوئیم: مراد از طول^(۲) بر وزن سرد ۷ سوره‌های اول قرآن بغیر از فاتحه است. و این در صورتی است که انفال و براءت را به جهت اینکه یکجا نازل شده‌اند و قرینتین من نام دارند یک سوره بدانیم و سوره‌های مئین عبارت از سوره‌های بنی اسرائیل تا ۷ سوره پس از آنست و تسمیه آنها به این واژه به جهت این است که دارای حوالی یکصد آیه می‌باشند.^(۳) و مفصل عبارت است از سوره محمد تا آخر قرآن کریم است و این سوره‌ها از آنرو که با هم به وسیله بسمله فاصله دارند مفصل نامیده شده‌اند. و مثانی بغیر از سوره‌هایی است که ذکر شد و تعدادی از آنها به دنبال سوره‌های طُول و تعدادی دیگر در دنبال سوره‌های مئین واقع و به همین جهت که در پی آنها آمده‌اند مثانی نامیده می‌شوند.^(۴) یادآور می‌شود در صافی و همینطور در مجمع البحرین کلمه طوال عوض طول بضم طا و فتح واو آمده است و در مجمع البحرین آنرا جمع طولی بر وزن کبر و کبری دانسته است.

بنظر می‌رسد طول بضم طاء و فتح واو که مفرد آن طولی بضم طاء و سکون واو و مؤنث است از طوال که جمع طویل و مذکر است مناسب‌تر باشد.

۱ - اصول کافی چاپ جدید کتاب فضل القرآن ج ۲ ص ۶۰۱.

۲ - طول بضم طاء و فتح واو جمع طولی مؤنث اطول مانند افضل و فضلی می‌باشد.

۳ - این سوره‌های هفتگانه بغیر از حج و مؤمنون دارای بیش از یکصد آیه‌اند ولی حج و مؤمنون کمتر از صد آیه می‌باشند و شاید به همین جهت، حوالی یکصد آیه ذکر کرده است.

۴ - در مجمع البحرین در ماده ثنا می‌نویسد: ممکن است، مراد از مثانی سوره حمد باشد و در حدیث اهل بیت (ع) آمده است: ما هستیم مثانی که خداوند به پیامبرش عطا فرموده است. سپس از صدوق نقل می‌کند، حدیث اشاره به حدیث ثقلین است که عبرت را در ثانی قرآن قرار داده و هیچ از هم جدا نمی‌شوند.

سوره‌های قرآن به کجا نازل شده‌اند؟

همانطور که گفته شد کلمه سوره در نه مورد در قرآن کریم آمده که موهم این است سوره‌ها هر یک یکجا نازل شده‌اند و در حقیقت جبرئیل در یکصد و چهارده مرتبه خدمت پیامبر اسلام رسیده و یکصد و چهارده سوره‌های قرآن را نازل کرده است.

۱- از کفار خواسته شده ده سوره و یا یک سوره مانند سوره‌های قرآنی بیاورند.^(۱)

۲- خداوند متعال می‌فرماید: وقتی سوره‌ای نازل می‌شد و در آن ایمان و جهاد از مردم خواسته شده بود صاحبان ثروت از تو می‌خواستند که به جهاد نروند.^(۲)

۳- خداوند می‌فرماید: وقتی سوره‌ای نازل می‌شد نیروی ایمان مؤمنین قوی‌تر می‌گشت و کافران بر کفر و نفاقشان افزوده می‌شد.^(۳)

۴- خداوند می‌فرماید: وقتی سوره‌ای نازل می‌شد بعضی از کفار به بعض دیگر می‌نگریستند که چنانچه کسی آنها را ندیده باشد همگی برگردند.^(۴)
و امثال اینها که کلمه سوره در آن واقع است.

بعضی از فضیلهای معاصر از کثرت و تعدد لفظ سوره چنین استفاده کرده که سوره‌های قرآن جز بقره سوره سوره نازل شده است. زیرا در هر جا که از نزول بخشی از قرآن ذکری به میان آمده توأم با لفظ سوره بوده است.

لکن در پاسخ گفته می‌شود: استدلال مذکور موقوف است بر اینکه از لفظ سوره در این آیات معنای مصطلح آن اراده شده که در قبل گفته شد. یعنی تعدادی از آیات قرآنی است که در ابتدای آنها بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و در انتهای آن بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم سوره دیگری باشد و معلوم است چنین معنائی را نمی‌توان از این آیات استفاده کرد؛ زیرا در جائی که خداوند متعال در مقام تحدی از کفار خواسته ده سوره و یا یک سوره‌ای مثل قرآن را بیاورند منظور آن نبوده که آیتی که ابتدای آن بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و انتهای آن بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم سوره دیگر باشد بیاورند. چنانکه روشن است.

۱- و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبیدنا فأتوا بسورة من مثله. بقره / ۲۳ قل فأتوا بسورة مثله مفتريات. هود / ۱۳

۲- و اذا نزلت سورة ان آمنوا بالله و جاهد و مع رسوله استأذنک اولوا الطول منهم و قالوا ذرنا کن مع القاعدین. توبه / ۸۶

۳- و اذا ما نزلت سورة فمنهم من يقول ایکم زادته ایمانا... توبه / ۱۲۴.

۴- و اذا ما نزلت سورة نظر بفهم الی بعض هل یراکم ثم الضرفوا... توبه / ۱۲۷.

به علاوه در شأن نزول بعضی از آیات، روایات زیادی که میان آنها روایات معتبری نیز دیده می‌شود دلالت دارند بر اینکه قرآن کریم در موارد زیادی، آیه‌آیه نازل شده است عبارتند از:

۱- از شیخ طوسی با ذکر اسناد نقل شده که امام حسن (ع) فرمود خداوند متعال به رسول (ص) خود دستور داد اکنون که کفار تو را انکار می‌کنند و با تو می‌ستیزند به آنها بگو (تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نساننا و نسائکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین) علیهذا رسول خدا (ص) از انفس پدرم و از ابناء من و برادرم و از زنها فاطمه «یعنی» مادرم را از میان تمام مردم برگزید.^(۱) و در بعضی از روایات جمله (فنزلت هذه الآيات) آمده است.

۲- از تفسیر عیاشی نقل شده که خداوند متعال پیامبر خود محمد (ص) را امر فرمود که ولایت علی (ع) را به مردم اعلام کند ولی پیامبر خدا از ترس مردم و اینکه بگویند: محمد پسر عم و داماد خود را منصوب کرده تعلل می‌کرد تا این آیه نازل شد (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لا تفعل ما بلغت رسالته واللّه یعصک من الناس ان الله لایهدی القوم الکافرین) آنگاه رسول خدا (ص) در روز غدیر خم علی (ع) را به ولایت نصب فرمود.^(۲)

۳- شیخ طبرسی می‌نویسد: سبب نزول آیه (یا ایها الذین آمنوا شهادة بینکم اذا حضر احدکم الموت حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم او آخران من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصابتکم مصیبة الموت تحسبونها من بعد الصلوة فیقسمان باللّه ان ارتبتم لان شترى به ثمناً و لو کان ذا قربی و لا نکتم شهادة الله انّا لمن الاثمین)

این است که ۳ نفر به نام تمیم بن اوس الداری و برادرش عدی و ابن ابی ماریه بقصد تجارت از مدینه رهسپار شام شدند دو تن اول نصرانی و نفر سوم مسلمان بودند و او یعنی مسلمان در اثنای راه بیمار شد و وصیت‌نامه‌ای را نوشت و در میان ااثاث خود قرار داد. آنگاه به آندو نصرانی وصیت نمود که این اموال را باهلهش برسانند و از دنیا رفت. آندو ااثاث را باز کردند و اشیائی که دوست می‌داشتند برداشتند و بقیه را بورئه رساندند.

۱- تفسیر برهان تالیف سیدهاشم بحرانی به نقل از شیخ طوسی در تفسیر آیه (۶۰) سوره آل عمران.

۲- همان مدرک در تفسیر آیه ۶۷ سوره مائده.

ورثه این فرد مسلمان وقتی اثاث را باز کردند به وصیتنامه برخورد کردند که دیدند تمام اموال جز قسمتی از آن به آنها داده نشده است لذا به آن دو مراجعه کرده و خواستار آن شدند آنان انکار کردند ورثه شکایت خود را بخدمت رسول خدا (ص) بردند و آن دو در خدمت حضرت نیز منکر شدند تا این آیه نازل شد.^(۱)

پس با توجه به مطالب گذشته می‌توان گفت سوره اصطلاح دیگری را نیز دارد و آن عبارت از تعداد آیات است که هدف واحدی را دنبال می‌کنند. و در کلمات اهل لغت نیز به آن اشاره شده است راغب می‌گوید از دیگر معانی سوره تعداد آیاتی است که به عنوان منزل در نظرند مانند سیرماه که از منزلی به منزل دیگر انجام می‌گیرد.

و شاید آنچه علامه طباطبائی در آیه اول سوره نور فرموده است اشاره به همین اصطلاح دوم باشد. سوره تعداد آیاتی است که مفید غرض واجد باشد و در جهت آن نازل شده است. سپس می‌فرماید سوره در اینجا هم به خود آیات اطلاق شده چنانکه می‌فرماید (سوره انزلناها و فرضناها) و هم به عنوان ظرف آیات یعنی جزء و کل استعمال شده چنانکه می‌فرماید: (و انزلنا فیها آیات بیّنات)

خلاصه اینکه واژه سوره در لغت دارای معانی متعددیست و در اصطلاح بر دو معنی اطلاق شده است یعنی به تعداد آیاتی که در ابتداء آن بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و در انتهای آن بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم سوره دیگری باشد و نیز به تعداد آیات منسجمی گفته می‌شود که غرض واحدی را در بردارد.

تعداد سوره‌ها

ضابطه‌ای که در تعیین سوره ذکر شد مقتضی است که تعداد سوره‌های قرآن مجید را باید ۱۱۳ سوره دانست و نباید برائت را سوره مستقلی بشمار آورد بلکه باید آنرا تتمه سوره انفال دانست مگر اینکه گفته شود نبودن بسمله در اول برائت نه برای این است که سوره مستقلی نیست بلکه به جهت عدم مناسبتی است که در بین بسم‌الله - که آیه رحمت است با آیات برائت که آیات غضب است چنانکه از ابن عباس نقل شده که می‌گفت از علی بن ابی طالب (ع) پرسیدم چرا در اول برائت بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم قرار نگرفته است

۱ - مجمع البیان در تفسیر آیه ۱۰۶ سوره مائده به نقل از موسی بن جعفر (ع)

فرمود: برای این است که بسمله امان است و برائت برای شمشیر نازل شده است. پس شمار سوره‌های قرآن ۱۱۴ سوره می‌باشد.^(۱)

و گاهی هم بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم در اثنای سوره واحد قرار گرفته است که این تصور را بوجود می‌آورد آنها دو سوره هستند مانند سوره ضحی و الم نشرح و مانند فیل و ایلاف ولی معروف است سوره‌های ضحی و الم نشرح و نیز سوره‌های فیل و ایلاف یک سوره هستند چنانکه مرحوم شیخ به آن تصریح فرموده و این سوره‌ها را به تنهایی در نماز کافی نمی‌داند.^(۲)

و مرحوم بحرالعلوم نیز در منظومه خود فرموده است:

والضحی و الانشراح واحدة بالاتفاق والمعانی شاهدة
كذلك الفیل مع الایلاف و فصل بسم‌الله لایسنافی

بنابراین عدد سوره‌های قرآن مجید ۱۱۲ سوره می‌باشد.

لیکن این مطلب در صورتی صحیح است که مردم سوره‌ها را تعیین کرده باشند. و احتمال خطا در کار آنان داده شود و بگوئیم آنها خطا کرده‌اند و اما اگر این تعیین توسط رسول خدا انجام گرفته و ملاک تعیین آن حضرت نیز با نزول بسمله بوده باید تعداد سوره‌ها را ۱۱۴ سوره بدانیم چنانکه صاحب مدارک در کتاب خود گفته و به آن جازم شده است.^(۳) یادآور می‌شود اینکه گفته شد آنها به تنهایی یک سوره هستند با قول به اینکه آنها به تنهایی در نماز کافی نیستند منافات ندارد به هر حال تحقیق مطلب را در فقه باید بررسی کرد.

۱- اتقان ط الثقایه لبنان ج ۱ ص ۶۷.

۲- مبسوط ج ۱ فصل قرائت و احکام آن ط مرتضوی ص ۱۰۷.

۳- مصباح الفقیه همدانی کتاب الصلوه ص ۳۱۶.

صحیفه و مصاحف

۲- صحیفه در لغت قطعه یا صفحه‌ایست از چرم یا کاغذ که در نگارش از آن استفاده می‌شود جمع آن **صُحُف** بضم صاد و حاء و صحائف می‌باشد.

مصحف بضم میم و فتح حا یا در لغتی مصحف بکسر میم کتابی است در آن صفحه‌های مکتوب جمع و قرار گرفته باشد جمع آن **مَصَاحِف** می‌باشد. در رابطه با گفته‌های بالا بهتر است عین الفاظ عربی اهل لغت را جهت بسط مطلب بیاوریم.

۱- **جَمَّهْرَةُ اللُّغَةِ** ابن دُرَید: **الصُّحُفُ** واحدها **صحيفة** و هی القطعة من ادم ابيض اوراق یکتب فیہ و قد جائت فی التنزیل (و اذا الصحف نشرت) والله اعلم بکتابه و تجمع صحائف و ربّما جمعوا الصحیفه صحافا

والمصحف بکسر المیم لغة تميمه و اهل نجد یقولون المصحف بضم المیم لغة علویه کأنهم قالوا **أَصْحِف** فهو مصحف اذا جمع بعضه الی بعض.

اما جمله **والله اعلم** اشاره به این است که جمع صحیفه صحاف و صحائف آمده اما در قرآن کریم که صحف بضم صاد و حا آمده (الله اعلم بکتابه) خداوند خود به کتابش آگاه‌تر است.

۲- قاموس اللغة فیروزآبادی: الصحیفه الكتاب ج صحائف و **صُحُف** ککُتُب نادرة لانّ فعلیه لا تجمع علی **فُعُل** و المصحف مثلثه المیم من **أَصْحِف** بالضم ای جعلت فیہ الصحف.

۳- لسان العرب ابن منظور: الصحیفه التي یکتب فیها جمع صحائف و **صُحُف** و **صُحُف** و **صُحُف** و **لُصُحُف** و **المُصْحَف** الجامع للصحف المکتوبه بین الدفین کأنه **أَصْحِف** و **الکسر** و **الفتح** فیہ لغة.

۴- مفردات راغب: الصحیفه المبسوط من شیء کصحيفة الوجه و الصحیفه التي یکتب فیها و جمعها صحائف و **صُحُف** و المصحف ما جعل جامعاً للصحف مکتوبه و جمعه مصاحف.

۵- مجمع البحرین: الصحیفه قطعة من جلد او قرطاس کتب فیہ.

از مجموع آنچه که ذکر شد استفاده می‌شود: صحیفه چیزی را گویند که قابل نوشتن باشد مانند کاغذ یا قطعه‌ای از پوست که در درون آن نوشته‌ای انجام گیرد و مصحف بضم میم یا در لغتی بکسر میم کتاب را گویند که صفحه‌های مکتوب در آن جمع شده وجود واحدی را تشکیل دهد.

یاد آور می‌شود، صحف در قرآن کریم در ۸ مورد آمده^(۱) اما مصحف در هیچ موردی در قرآن شریف به آن اشاره نشده است. اما در روایت فقط در بحارالانوار در ۳۱۲ مورد به آن اشاره شده است.^(۲)

مصحف در اصطلاح

مصاحف در اصطلاح علوم قرآنی قرآنهائی گویند که صحابه آنها را جهت قرائت خود نوشته یا فراهم آورده بودند و این کار قبل از توحید قرآنها که توسط عثمان انجام گرفته بود و پس از آن تمام قرآنها که قرائت مختلفی در آنها بود تبدیل به قرآن واحد شد و قرآنهائی بعد از آن از روی همین نسخه نگاشته شد و نیز این مصاحف، غیر قرآنی بود که به امر رسول اکرم کتابت شد و علی (ع) طبق وصیت آنحضرت آن را به خانه خود منتقل ساخت.^(۳)

و پس از بررسی موضوع بحث مناسب است اصحابی را که به عنوان صاحب مصحف شمرده می‌شوند به نحو اختصار یاد کرده و تفصیل آن را به کتب علوم قرآنی واگذاریم و آنان عبارتند از:

۱- امیرالمؤمنین علی (ع) دارای قرآنی بوده که از نوشته‌های قرآنی که در زمان رسول اکرم (ص) در کاغذها و تخته‌ها و چرمها نوشته شده بود به ترتیب نزول جمع‌آوری فرمود و کلیه آنچه که در رابطه با تفسیر نازل شده بود همراه با تاویلات، به آن اضافه کرد ولی به جهاتی در دسترس مردم قرار نداد بلکه تحویل امام بعدی یعنی امام حسن (ع) و آن حضرت به امام حسین و به همین ترتیب امامان معصوم یکی پس از دیگری تحویل اوصیاء خود نمودند تا در نزد امام عصر ارواحنا له الفداء مستقر شد.^(۴) به نظر می‌رسد مصحفی را که به امام صادق (ع) نسبت می‌دهند^(۵) همین مصحف باشد که به ارث به حضرتش رسیده بود. بنابراین احتمالاً نباید مصحف دیگری بغیر از مصحف علی (ع) بشمار بیاید و نیز بنظر می‌رسد مصحفی که به فاطمه زهرا (ع) نسبت

۱- معجم مفهرس محمد فؤاد.

۲- کامپیوتر.

۳- مناقب ابن شهر آشوب باب مسابته فی العلم.

۴- احتجاج چاپ خراسان ص ۲۵۵.

۵- تاریخ القرآن زنجانی.

داده شده^(۱) قرآن نباشد بلکه بحسب روایات کتابی بوده، در آن حوادثی که برای ذریه آن حضرت پیش آمد ذکر شده است و از جمله این روایات روایت ابی عبیده است و در آن از امام صادق (ع) سوال شده مصحف فاطمه (ع) چه بوده است و آنحضرت پس از تامل و اینکه شما از هر چیزی و لو اینکه محل حاجت نباشد سؤال می‌کنید. آنگاه می‌فرماید مصحف فاطمه (ع) کتابی بوده در آن تسلیت‌های جبرئیل که در عزای رسول اکرم (ص) می‌داد ذکر شده است و از جمله آنها بیان مقام آن حضرت است که برای فاطمه بیان می‌کرده و نیز آنچه را که برای ذریه‌اش پیش می‌آید خبر می‌داد و علی (ع) آنها را می‌نوشت و این است مصحف فاطمه.^(۲)

ولی با این همه نمی‌توان گفت فاطمه (ع) قرآنی نداشته و فقط قرآن را از حفظ قرائت می‌فرموده است در حال اینکه قرائت از روی قرآن از قرائت حفظی افضل است چنانکه این مطلب در روایات آمده است.^(۳)

مصحف ابوبکر و عمر و عثمان و حفصه

معروف است زیدبن ثابت طبق دستور ابوبکر قرآنی نوشت که آنرا از ورقه‌ها و سنگها و برگها جمع‌آوری کرد و این قرآن نزد ابوبکر بود و پس از او نزد عمر و پس از او نزد حفصه دختر عمر بود تا اینکه عثمان حکومت را بدست گرفت، قرآن را از حفصه مطالبه و پس از استتاج به او برگرداند و پس از حفصه از عبدالله عمر گرفتند و از بین بردند و در نتیجه نسخه عثمان باقی ماند و تکثیر شد.^(۴)

بنظر می‌رسد قرآنی که به آنان نسبت داده‌اند همین باشد که هر یک پس از دیگری بدست آورده‌اند گرچه در بعضی نقل‌ها آمده که حفصه دستور داد قرآنی از روی آن بنویسند.^(۵)

۱- تاریخ قرآن دکتر رامیار ط نشر اندیشه ص ۱۷۵ .

۲- اصول کافی ج ۱ ط جدید دار الاضواء کتاب الحج ص ۲۹۹ .

۳- اصول کافی ج ۲ ط جدید ص ۵۸۶ .

۴- البیان تالیف آیه‌الله خوئی بحث صیانة القرآن عن التحریف و اعجاز القرآن رافعی ص ۳۹ .

۵- مصنف عبدالرزاق ج ۱ ص ۵۷۸ .

این خلاصه‌ای بود که ذکر شد که باید مشروح آن را در بحث‌های جمع قرآن جستجو کرد.

مصحف ابن مسعود

ابن ندیم می‌نویسد: فضل بن شاذان می‌گفت ترتیب سور قرآنی در مصحف ابن مسعود چنین است. آنگاه ذکر می‌کند... سپس فضل از محمد بن اسحق نقل می‌کند: قرآنهای زیادی را دیده‌ام در آخر آنها کاتبان نوشته‌اند: این مصحف عبدالله بن مسعود است.^(۱)

و از ابن اشته نقل می‌کنند ابن مسعود در قرآن خود سوره‌ها را به نسبت طولانی بودنشان ترتیب داده است: مثلاً در ابتدا، بقره سپس نساء و بعد به همین ترتیب آل عمران، مائده... ابن داود می‌نویسد: وقتی مأمور خلیفه به کوفه آمد تا قرآن‌ها را جمع کند ابن مسعود خطبه خواند و به مردم گفت من خدعه کرده مصحف خود را به کسی نمی‌دهم شما هم همین کار را بکنید زیرا در روز قیامت خدعه‌ها را می‌آورند و چه بهتر آن قرآن باشد.^(۲)

به هر حال مدارک زیادی دلالت دارند که ابن مسعود دارای قرآن بوده و تفاوتی هم با سایر قرآن‌ها داشته است که تفصیل آن را باید در کتب علوم قرآنی جستجو کرد. چند نمونه از رأی و مصحف ابن مسعود را بیان کرده تفصیل آن را به کتب مفصله واگذار می‌کنیم که عبارتند از اینکه:

ابن مسعود تبدیل کلمات قرآن را به کلمات مترادف جایز می‌دانست چنانکه می‌گویند وقتی به مردی تعلیم قرآن می‌کرد به آیه شریفه (ان شجرة الزقوم طعام الایم) رسید آن مرد نمی‌توانست طعام الایم را بگوید و می‌گفت: طعام الیتیم آنگاه از او پرسید: می‌توانی (طعام الفاجر) بخوانی گفت بلی پس گفت تو همان را بخوان^(۳) و نیز می‌نویسند: او در مصحف خود سوره حمد را نمی‌نوشت و می‌گفت اگر حمد را در قرآن بنویسم باید در ابتدای هر چیز بنویسم.^(۴)

۲- اتقان چپ بیروت موسسه دارالتقافیه نوع ۱۸ ص ۶۴.

۱- فهرست ص ۴۵.

۴- اتقان نوع ۱۶ ص ۴۷.

۳- مصاحف ص ۱۵.

می‌گویند ابن مسعود معوذتین را از قرآن خود برداشت و می‌گفت قرآن را بغیر قرآن آمیخته نکنید معوذتین از قرآن نیست بلکه آنها استعاذه‌اند که پیغمبر اسلام (ص) دستور خواندن آنها را داده است. به هر حال از این رأی شیعی کسی متابعت نکرده و انشاءالله ابن مسعود هم از قول خود برگشته است.

مصحف ابی بن کعب

ابن ندیم از فضل بن شادان نقل می‌کند: یکی از ثقات اصحاب می‌گفت: تألیف سوره‌ها در قرآن ابی چنین بوده [آنگاه شرح می‌دهد] و آن نزد محمد بن عبدالله انصاری بود و می‌گفت این، قرآن آبی است.^(۱)

سیوطی از مصاحف ابن اشته نقل می‌کند: محمد بن یعقوب کوفی روایت می‌کند: کیفیت تألیف قرآنی آبی چنین بوده که شرح می‌دهد.^(۲)

و نیز از ابن سیرین نقل می‌کند: ابی در قرآن خود فاتحه‌الکتاب و معوذتین و اللهم انا نستعینک واللهم انا نعبد... نوشته بود؛ ولی عثمان فقط فاتحه‌الکتاب و معوذتین را ثبت و غیر آنها را رها کرده است.^(۳)

یادآور می‌شود: ابی مانند ابن مسعود تبدیل کلمات قرآن را به مرادف آنها جایز می‌دانسته و اجازه می‌داده مثلاً کلمه (مشوا) در آیه شریفه (کلما اضاء لهم مشوا فیه) مضوا قرائت شود و در اول سوره زمر (حم) اضافه می‌کرده و در میان دو سوره فیل و ایلاف بسمله نمی‌نوشته است، و دعای قنوت یعنی (بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انا نستعینک و نستعفرک و نثی علیک و لانکفرک...) را جزء قرآن می‌دانسته است. به هر حال آنچه خلاف قرآنهاي متداول می‌باشد باید مردود دانست و در محل مناسبی از آن بحث کرد. در خاتمه متذکر می‌شود مصاحف دیگری نیز ذکر کرده‌اند ولی چون دلیلی بر اثبات آنها دیده نشده از ذکر آنها صرف نظر گردید. و الحمد لله رب العالمین

۱ - فهرست ص ۴۶ .

۲ - اتقان ج ۱ ص ۶۴ .

۳ - همان مدرک ص ۶۵ .